

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 20, No. 2, Spring 2020, 293-313  
Doi: 10.30465/crtls.2020.5277

## A Review of *Perceptions of Classical Armenia: Romano-Parthian Relations*

Yaser Malekzadeh\*

Sorour Khorashadi\*\*

### Abstract

The book of *Perceptions of Classical Armenia: Romano-Parthian Relations, 70 BC-AD 220* is a Persian translation of a master thesis at Louisiana State University: *Perceptions of Classical Armenia: Romano-Parthian Relations, 70 BC-AD 22*. This research has mainly focused on the military actions of the Roman emperors from 70 BC to 200 AD. By comparing the various views on the foreign policy of the Romans in the Eastern regions, the political controversy, and especially the conflict between the Romans and the Parthians during these periods, it was aimed to show the image of the Parthians that Romans had in their mind. This article is a review of the research. A comparative study is conducted between the original English version of the book and its Persian translation to examine the accuracy of the content of the work and the translation. Having in mind that there are several well-known works on this subject that have been published in the West. Translating a mediocre work by a translator with a poor command of English language does not seem beneficial. Therefore, it would be more suitable to select another book and/or translator for this subject.

**Keywords:** Romans, Arsacids, Master thesis of Poirot, J. J, Translation

---

\* PhD in Ancient History of Iran, Faculty of Literature & Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran, yasermalekzadeh@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Department of Archeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), s.khorashadi@modares.ac.ir

Date received: 2019-09-07, Date of acceptance: 2020-02-08

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## نقد کتاب

### مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان

ياسر ملك‌زاده\*

سُرور خُراشادی\*\*

#### چکیده

این مقاله کتاب *مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان* (ترجمه پایان‌نامه ارشد *Perceptions of Classical Armenia: Romano-Parthian Relations, 70 BC-AD*) را با تطبیق اصل انگلیسی اثر و ترجمه فارسی آن نقد و بررسی کرده است. نویسنده با بررسی اقدامات نظامی امپراتوران دوره‌های مختلف روم از ۷۰ پ.م-۲۰۰ م تلاش کرده با مقایسه نظریات مختلف درباره سیاست خارجی رومیان در مناطق شرقی و مناقشات سیاسی و خصوصاً نظامی بین رومیان و اشکانیان طی این دوره‌ها تصویر ارائه‌شده رومیان از اشکانیان را بازشناسی کند و از این ره‌گذر انگیزه‌های رومیان از نمایاندن اشکانیان در جایگاه دشمن شرقی روم را بررسی کند. نویسنده موضوع بسیار مهمی را انتخاب کرده، اما اثری درجه یک حاصل نشده است. در این زمینه آثار مهم و شاخصی در مغرب‌زمین منتشر شده که این اثر در قیاس با آن‌ها کاستی‌های فراوانی دارد و ترجمه آن نیز چنان ضعیف مشهودی دارد که بهتر بود هم کتاب مناسب‌تری برای ترجمه انتخاب می‌شد و هم مترجم آن دقت نظر بیش‌تری صرف می‌کردند.

**کلیدواژه‌ها:** رومیان، اشکانیان، پایان‌نامه ارشد جان جوزف پوارو، ترجمه.

\* دکترای تاریخ ایران باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، yasermalekzadeh@yahoo.com

\*\* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، s.khorashadi@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

## ۱. مقدمه

از میانه حکومت اشکانیان و دقیقاً زمان حکومت مهرداد دوم اشکانی (۴۱۲۱-۴۹۱پ.م) رومیان در شرق امپراتوری با اشکانیان همسایه شدند. پس از مناقشات و مجادلات سیاسی و برخوردهای نظامی محدود در زمان حکومت اُرد دوم (۳۷-۵۷پ.م) پادشاه اشکانی، هم‌زمان با حکومت سه‌گانه امپراتوران رومی یعنی کراسوس در شرق، سزار در گل، و پمپه در اسپانیا، با جنگ کارهه (حران) که به قتل‌عام نظامیان رومی و کشته‌شدن امپراتور کراسوس انجامید، به رومیان فهماند که به دیوار دفاعی سختی برخورد کرده‌اند. از این زمان گفتمانی در روم درگرفت که دلایل شکست از اشکانیان و نحوه برخورد با آنان از نظر سیاسی و نظامی را بررسی می‌کرد. از همان زمان نظریاتی در این زمینه مطرح شد که در نوشته‌های نویسندگان کلاسیک آن دوران از نامه‌های سیاسی و متون تاریخی گرفته تا متن‌های ادبی، نقوش مدال‌ها، و کتیبه‌های یادبود انعکاس یافت. در قرون اخیر برخی محققان تلاش کرده‌اند تا با بررسی این گزارش‌ها و متون تصویری روشن‌تر از تصور اقبشار گوناگون روم، از مردم عادی گرفته تا نخبگان ادبی و سیاسی رومی و همچنین امپراتوران و سرداران، به مسئله شرق و لزوم مقابله یا مصالحه با اشکانیان ارائه دهند. سپس این محققان تلاش کردند تا با بررسی براینده نظریات مذکور در متون در دسترس به این پرسش‌ها پاسخ دهند که اولاً انگیزه قشر نخبه روم از ارائه تصویر اشکانیان به‌منزله تهدید برای امپراتوری روم چه بوده است و درثانی آیا این تصویرسازی ابزاری تبلیغاتی بود؟ و اگر چنین بود در راستای کدام راهبرد سیاسی انجام می‌شد و به کدام ایدئولوژی سیاسی رومی در مسئله تقابل با شرق در دوره‌های مختلف انجامید؟

## ۲. متن اصلی

### ۱.۲ معرفی کلی اثر

شناسه کتاب روی جلد *مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان*، نویسنده «ژوزف پویریت»، مترجمان رضا قاسمی و رضوان رضایی است. در صفحه اول کتاب نویسنده، جان جوزف پویرات، و نام کتاب *مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان از ۷۰ پیش از میلاد تا ۲۲۰ میلادی* و در صفحه شناسه نویسنده، جان ژوزف پویریت، معرفی شده است. ناشر: سمیرا، موضوع: تاریخ ایران باستان (دوره اشکانی)، چاپ اول ۱۳۹۶، تیراژ ۱۰۰۰، قیمت ۸۰۰۰ تومان، جلد: شومیز، قطع: وزیری (۱۷×۲۴)، نوع

کاغذ: تحریر، تعداد صفحات از صفحه عنوان تا آخرین صفحه کتاب: ۱۰۶ صفحه. اصل انگلیسی کتاب در صفحه شناسه *Perceptions of Classical Armenia: Romano-Parthian Relations, 70 BC-AD 220* معرفی شده است. عنوان لاتین این ترجمه در پشت جلد *Observation of Ancient Armenia and Relations with the Parthians and Romans* است. عنوان دوم ترجمه‌ای واژه‌به‌واژه از عنوان فارسی اثر به زبان انگلیسی است. در پیش‌گفتار کتاب مترجمان «جان جوزف پویروت پژوهش‌گر لهستانی» را نویسنده کتاب «پیش‌رو» معرفی کرده‌اند (ص ۵).

اصل انگلیسی اثر، که با یک مقدمه و چکیده آغاز می‌شود، سه فصل دارد. عناوین فصل اول: ۱. منشأ درگیری پارتیان و رومیان (*Origins of the Romano-Parthian Conflict*)، ۲. پارت و ارمنستان در دوره حکومت یولیانی و کلودیانی<sup>۲</sup> (*Parthia and Armenia under the Julio-Claudian Emperors*)، ۳. اردوکنشی تریانوس به پارت (*Trajan's Parthian Campaign*). ذیل عنوان هر فصل توضیحاتی در چند صفحه ارائه و سپس بخش‌های آن فصل نوشته شده است. در ترجمه فارسی فصل‌ها عنوان ندارد و مترجمان عناوین فصل‌ها و توضیحاتشان را به‌منزله یک بخش از هر فصل در کتاب خود آورده‌اند. بخش اول فصل اول با عنوان ریشه جنگ روم و اشکانیان، بخش اول فصل دوم با عنوان اشکانیان و ارمنستان در دوره ژولیو کلودیان، و بخش اول فصل سوم<sup>۳</sup> با عنوان اوپتموس پرنسپس<sup>۴</sup> آمده است. در اصل انگلیسی اثر عناوین بخش‌های فصل اول: ۱. نقد منابع (*review of literature*)، ۲. گنجینه و ثروت (*luxuria et avaritia*)، ۳. خاندان و سرزمین اجدادی (*gens et patria*)، ۴. لوسیوس لیسینیوس لوکولوس (*Lucius Licinius Lucullus*)، ۵. گنایوس پمپیوس بزرگ (*Gnaeus Pompeius Magnus*)، ۶. مارکوس لیسینیوس کراسوس و مارکوس آنتونیوس (*Marcus Licinius Crassus and Mark Antony*)، و ۷. نتیجه (*conclusion*) است. در ترجمه کتاب، فصل اول به بخش‌های ۱. ریشه جنگ روم و اشکانیان، ۲. مطالعه و بررسی نوشته‌ها، ۳. خانواده و وطن در روم، ۴. لوسینیوس لوکولوس، و ۵. نتیجه‌گیری تقسیم شده است. عنوان بخش دوم متن اصلی «گنجینه و ثروت» در ترجمه حذف شده و در دنباله بخش «مطالعه و بررسی نوشته‌ها» آمده است. در واقع دو بخش ذیل یک عنوان قرار گرفته است. بخش سوم از فصل اول در متن انگلیسی یعنی «خانواده و وطن در روم» در ترجمه فارسی در بخش دوم آمده است. بخش‌های چهارم، پنجم، و ششم متن اصلی نیز در ترجمه به‌دنبال هم و ذیل عنوان «لوسیوس لوکولوس» قرار گرفته است. در این بخش تاریخچه لشکرکشی‌ها و روابط امپراتوران روم از لوکولوس تا مارکوس آنتونیوس بررسی شده است

و در نهایت در بخش چهارم ترجمه فصل اول، که همان بخش هفتم متن اصلی است، نتیجه بحث آمده است.

فصل دوم در متن اصلی هفت قسمت دارد: ۱. پارت در ادبیات رومی ( Parthia in Roman Literature)، ۲. قیصر آگوستوس (Caesar Augustus)، ۳. تیریوس (Tiberius)، ۴. کالیگولا و کلودیوس (Caligula and Claudius)، ۵. نرو (Nero)، و ۶. نتیجه (conclusion). در ترجمه این فصول چنین آمده‌اند: ۱. اشکانیان و ارمنستان در دوره ژولیو کلودیان، ۲. متون تاریخی درباره اشکانیان و رومیان، ۳. سزار آگوستوس، ۴. تیریوس، ۵. کالیگولا و کلودیوس، ۶. نرو، و ۷. نتیجه‌گیری.

فصل سوم در متن اصلی چهار بخش دارد: ۱. اوپتیموس پرینسپس، ۲. مبحث مقدماتی (the case for premeditation)، ۳. سقوط اشکانیان (the fall of the Arsacids)، و ۴. نتیجه (conclusion). در ترجمه عناوین فصول چنین است: ۱. اوپتیموس پرینسپس و ۲. سقوط اشکانیان. در این جا هم عنوان فصل «اردوگشی تریانوس به پارت» نیست و مترجمان ترجیح داده‌اند این عنوان را حذف کنند و توضیحات ذیل آن را دنباله نتیجه فصل دوم بیاورند. متن انگلیسی با یک سخن پایانی، فهرست منابع، دو ضمیمه شامل ۱. فهرست پادشاهان ارمنستان، پادشاهان اشکانی، و امپراتوران روم و ۲. نقشه‌ها، و نهایتاً زندگی‌نامه کوتاه نویسنده به پایان می‌رسد.

## ۲.۲ نقد و تحلیل خاستگاه اثر

با جست‌وجویی ساده در اینترنت و واردکردن چند کلمه نخست عنوان لاتین اثر ترجمه شده می‌توان دریافت که این اثر پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. این پایان‌نامه در سال ۲۰۰۳م در دانشگاه ایالتی لوئیزیانا در آمریکا دفاع شده است. نام دانشجو جان جوزف پوارو است. در صفحه پایانی این پایان‌نامه، که فایل پی‌دی‌اف آن از سایت دانشگاه لوئیزیانا (Louisiana) قابل‌دانلود است<sup>۵</sup>، آمده است که این دانشجو اهل لافایت<sup>۶</sup> لوئیزیانا بوده و مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه جنوب غربی لوئیزیانا (The University of Southwestern Louisiana) در سال ۲۰۰۰ دریافت کرده است. او در سال ۲۰۰۳ در رشته تاریخ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه ایالتی لوئیزیانا شده است (Poitrot 2003: 85). این پایان‌نامه هرگز به کتاب تبدیل نشد. مترجمان نویسنده را پژوهش‌گر لهستانی معرفی کرده‌اند، اما در هیچ‌جای این پایان‌نامه چنین مطلبی درج نشده است.

باتوجه به تأکید پایان‌نامه موظفیم این شخص را آمریکایی بدانیم و او را جان جوزف بنامیم، اما نام خانوادگی اش حاکی از ریشه زبانی فرانسوی اجداد اوست. نام خانوادگی این نویسنده یادآور پوارو (Hercule Poirot)، کارآگاه بلژیکی مشهور سری رمان‌های جنایی آگاتا کریستی (Agatha Christie, 1890-1976) نویسنده مشهور انگلیسی، است. چنان‌که مترجمان تلاش داشته‌اند که منشأ اجدادی این نویسنده را به ما بنمایانند، قاعدتاً بایستی یکی از کشورهای فرانسه‌زبان را ملیت (اجداد) نویسنده معرفی می‌کردند، درحالی‌که لهستان کشوری با فرهنگ و زبان فرانسوی نیست. برای اطمینان‌خاطر با اولبریخت (Marek Jan Olbrycht)، پژوهش‌گر لهستانی در حوزه تاریخ و فرهنگ دوره اسکندر، سلوکیان، و اشکانیان، مکاتبه‌ای داشتیم. وی به‌صراحت خبر لهستانی‌بودن این نویسنده را مردود دانست و تأکید کرد که نویسنده اثر اهل آمریکا است.<sup>۷</sup> پوارو در سال ۲۰۱۴ از رساله دکتری اش با عنوان *جنگ سرد رومی - پارتی: سیاست خارجی یولیوس کلودیان در سده اول میلادی و سال‌نامه‌های تاکیتوس* در رشته تاریخ گرایش دوران کلاسیک در همان دانشگاه دفاع کرد. قرار بر این بود که رساله نیز تقریباً حول همان موضوع کارشناسی ارشد ولی در یک دوره زمانی محدودتری سامان یابد. بررسی جزئیات این رساله موردبحث ما نیست، اما به‌دیده انصاف رساله دکتری دقیق‌تر، عالمانه‌تر، و مفصل‌تر از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارش شده است. هرچند نتایج کلی پایان‌نامه کارشناسی ارشد در نتیجه‌گیری رساله دکتری نیز تکرار می‌شود.<sup>۸</sup> طبق آنچه در پایان این رساله (Poirot 2014: 310) آمده، پوارو از سال ۲۰۱۴ ساکن نیواورلئان در ایالت لوس‌آنجلس (New Orleans, LA) بوده و در همان شهر شاغل است.<sup>۹</sup>

پیش‌تر در پایان قرن نوزدهم مورخ برجسته حوزه مطالعات یونان و روم، تئودور ممزن (Mommsen 1903: 520-522)، و بعد از او تنی فرانک (Frank 1925: 8-9) نظریه تدافعی روم را مطرح کرده بودند. براساس این نظریه، گسترش ارضی رومیان محصول واکنش آنان به تهاجم و تهدید خارجی بود. در دهه هشتاد قرن بیستم، ادوارد لوتواک نظریه‌ای را مطرح کرد که طبق آن انگاره ایده‌یکتا و مستمر وجود یک امپریالیسم با شعار دفاع از مرزهای روم از سوی رومیان در روابطشان با شرق نادرست دانسته شد. او در عوض، تاریخ روابط روم و شرق را به سه مرحله متفاوت تقسیم کرد. دوره یولیانی و کلودیانی که در آن دولت‌های دست‌نشانده در شرق پدید آمدند و رومیان راه‌برد تهاجمی داشتند. دوره فلاویانی و آنتونیانی که در آن موضوع مرزهای موقت مطرح بود و مرزها پیاپی در حال تغییر بودند و مرحله سوم به اواخر دوره اشکانی و اوایل ساسانی مربوط می‌شد که رومیان در آن راه‌بردی کاملاً دفاعی

درپیش گرفتند (Luttwak 1976: 1-7). ویلیام هریس با نظریه کلی‌نگر راه‌برد دفاعی رومی در برابر شرق قاطعانه‌تر مخالفت کرد و معتقد بود که انگیزه‌های اقتصادی و وسوسه ثروت و شهرت امپراتوران روم را به جنگ‌طلبی برمی‌انگیخت (Harris 1979: 105-130). از اواخر دهه ۱۹۸۰، آثاری با هدف به‌آزمون گذاشتن نظریه لوتواک و تقویت یا رد برخی جزئیات این نظریه منتشر شد. مهم‌ترین انتقاد به نظریه لوتواک به مسئله مرز و مفهوم آن مربوط می‌شد. طبق نظریه لوتواک دفاع از مرزهای روم دلیل تهاجم رومیان به همسایگانشان بود. اما آیا مرز در دوره روم باستان معنا و مفهوم امروزی خود را داشت؟ بنجامین آیزاک (Benjamin Isaac) و سوزان مترین (Susan Mattern) مهم‌ترین منتقدان در این زمینه‌اند. آیزاک با تحقیق درباره مرزهای شرقی روم با این استدلال که مرزهای خط‌کشی شده دقیقاً در آن دوران وجود نداشته است وجود چنین مفهومی را برای آن زمان رد کرد. از نظر او، در شرق امپراتوری روم پادگان‌ها نه در خطوط مرزی خیالی بلکه در مراکز شهری استان‌های شرقی استقرار داشتند، زیرا استقرار در مراکز شهری موجب می‌شد که در صورت وقوع جنگ هم از نظر پشتیبانی و هم وصول مالیات برای مدیریت جنگ در مقایسه با زمانی که پادگان‌ها در مناطق مرزی بیابانی بی‌آب و علف بودند، وضعیت مناسبی به وجود آید (Isaac 1990: 3-5, 43-45, 385-386). از سوی دیگر، سوزان مترین معتقد بود که منابع بیش از این که از درگیری‌های مرزی بین رومیان با کشورها و پادشاهانشان نشانی داشته باشند، از درگیری رومیان با اقوام و قبایل سخن به میان آورده‌اند. لوحه پوتینگر (Tabula Peutingeriana)، که اکنون در دست ماست، به‌منزله نقشه جاده‌های رومی (an itinerarium pictum or a periplus)، که حفاصل شهرهای رومی در حوزه دریای مدیترانه را نشان می‌دهد، قابل استناد نیست، زیرا بازرگانان آن را ترسیم کرده‌اند و رومیان برای تعیین مرز بین خود و همسایگان از چنین نقشه‌هایی باهدف روشن کردن حدود دقیق مرزها برای استناد در مناقشات استفاده نمی‌کرده‌اند (Mattern 1999: 1-3, 21-23, 42-43, 24-26). اثر پوارو محصول این موج فکری است که در دهه آخر قرن بیستم و اول قرن بیست‌ویکم درباره روابط خارجی روم و شرق به‌راه افتاده بود.

## ۳.۲ علت انتخاب اثر

مترجمان فارسی معتقدند که نویسنده «کتاب پیش‌رو... با دیدگاهی نو روابط اشکانیان و رومیان را بررسی کرده که در این میان ارمنستان نقشی کلیدی را ایفا کرده است و عامل اصلی جنگ افروزی میان این دو امپراتوری بزرگ باستان معرفی شده است. هم‌چنین



نویسنده کتاب با نقد و بررسی روش‌مند نظریه مورخان و محققان کلاسیک و معاصر سعی بر اثبات موضع هجومی روم به ارمنستان و آسیا کرده و دیدگاه مشهور استفاده ارمنستان به عنوان سپر دفاعی در مقابل اشکانیان را مطرود می‌داند. از سوی دیگر، نویسنده کتاب به صورت جداگانه وقایع تاریخی مهم هر امپراتور را ذکر کرده و انگیزه‌های اصلی آنان از جمله به مشرق زمین را روشن ساخته است. عوامل مذکور و شیوه جدید پژوهش علت اصلی انتخاب و ترجمه کتاب بوده» (ص ۵-۶). دیدگاه نویسنده در این کتاب جدید است، اما منحصر به وی نیست. نگاه به رومیان به مثابه متجاوز و امپریالیست در روابطشان با اشکانیان مدت‌ها پیش از پوارو وجود داشته است. آثار غربی شاخصی در این زمینه تاکنون چاپ و منتشر شده است که پایان‌نامه پوارو در مقایسه با آن‌ها اثری درجه دو و ضعیف محسوب می‌شود. اما نظر به این که نخستین اثر ترجمه شده به فارسی با این مضمون است، کتاب مهمی محسوب می‌شود. به بیان دیگر، این پایان‌نامه در غرب چندان اثر مهمی نبوده و نیست، اما ترجمه‌اش به فارسی بدان اهمیت بخشیده است، زیرا نخستین اثر غربی مستقل درباره دیدگاه رومیان به اشکانیان است که به فارسی نیز ترجمه شده است.<sup>۱</sup> بنابراین دلیل انتخاب این کتاب برای نقد در وهله نخست جایگاهی است که این ترجمه در تاریخ مطالعات اشکانی در ایران پیدا کرده و دوم لزوم نقد ترجمه فارسی این اثر و آثاری از این دست است.

## ۴.۲ نقد شکلی اثر

باتوجه به این که پایان‌نامه به زبان انگلیسی است، بررسی ایرادهای نگارشی و ویرایشی آن در حوزه تخصص نگارندگان این سطور نیست. اما آنچه مشهود است، کتاب‌شناسی قوی ندارد. غیر از نظریه لوتواک و هریس نظریات دیگری نیز وجود دارند که نویسنده به آن‌ها اشاره‌ای نکرده است. مهم‌ترین نظریه در این حوزه تقسیم استراتژی روابط رومی با شرق به دو دوره *Imitatio Alecandri* و *Imitatio Helladis* است (بنگرید به Weippert 1972: 65-68). طبق این فرضیه، رومیان هنگام حمله خود را وارث اسکندر و هنگام دفاع خود را وارث حکومت آتن در زمان جنگ‌های مادی می‌دانستند. بر این اساس، از دوره معروف به آگوست‌ها این دیدگاه در میان رومیان رایج شد که اشکانیان وارث هخامنشیان‌اند (بنگرید به Schneider 1986: 19-30; 1998: 95-127; Spawforth 1994: 233-269). طبق این نظریه، که خصوصاً سَنابند حامی آن بود، استراتژی رومی در برابر شرق به دو دوره قبل و بعد از آگوست تقسیم می‌شد. تا پیش از عصر آگوست تلقی رومیان از شرق یعنی آن سوی رود

فرات جایی بود ثروت‌مند با سرزمین‌هایی غنی که تصرف آن سود سرشاری برای رومیان به‌هم‌راه می‌آورد، اما اطلاعات زیادی از مردمان ساکن در این سرزمین‌ها در دست نبود (Sonnabend 1986: 162, 167-168). بعد از جنگ حران و به‌خصوص از دوره آگوست اطلاعات از اشکانیان بیش‌تر شد. اما این اطلاعات براساس مقایسه این مردمان با هخامنشیان و متون یونانی شکل گرفته بود که در آن شرقیان مردمانی تن‌پرور و ثروت‌مند تلقی می‌شدند (ibid.: 198-199). رومیان به‌مثابه جانشینان اسکندر بودند که تلاش داشتند شرق و ثروت آن را به‌دست بیاورند (Kienast 1969: 430-456). به‌طور رسمی قیصر آگوست اولین بار این نظر را مطرح کرده است که جهان به دو امپراتوری شرقی و غربی تقسیم می‌شود و در آن تجاوز به حریم هرکدام جز زیان‌فایده‌ای ندارد (Sonnabend 1986: 202-203). در زمان آگوست تلقی رومیان از اشکانیان مردمان متجاوزی هم‌چون هخامنشیان بود که در اندیشه تصرف یونان بودند (Spawforth 1994: 237-243; Schneider 1998: 112-113). اندیشه جانشینی اسکندر در بین رومیان هنوز طرف‌دار داشت و محترم بود، اما بعد از قرارداد صلح سال ۲۰۳م بین اشکانیان و رومیان دیگر تبلیغ جانشینی اسکندر و جهان‌گشایی معنایی نداشت (Kienast 1969: 453). به‌جز نظریات مطرح‌شده که در اثر پوارو مفقود است به آثار محققان دیگری چون آرناد (Arnaud 1993)، بوئرساک (Bowersock 1984)، برول (Bruhl 1930)، چائوشسکو (Ceaujcsco 1974)، فرزو (Frezouls 1995)، لایتفوت (Lightfoot 1990)، ویلر (Wheeler 1991; 1997; 2002)، ورتاکر (Whirtaker 1996)، و ورث (Wirth 1975; 1980-1981) در این زمینه باید اشاره کرد که در پایان‌نامه پوارو اثری از آن‌ها دیده نمی‌شود. گفتنی است پس از انتشار پایان‌نامه پوارو آثار مهم دیگری در این زمینه منتشر شده که از حیطه این گفتار خارج است.

ترجمه فارسی اثر ضعف‌های بسیار مشهودی دارد. مترجمان اطلاعات تاریخی لازم را ندارند و تلفظ درست نام برخی محققان اشکانی‌شناس را نمی‌دانند. برای نام‌های خاص هیچ حروف‌نویسی لاتینی در پانوشت نیامده است که خواننده بتواند با شکل لاتین نام آشنا شود. جنگ‌های مهرداد (Mithridatic wars) را «جنگ میتریادیک» (ص ۱۳، ۲۶) ترجمه کرده‌اند. عنوان لاتینی متن «راه‌نامه دریای اریتره» (periplus maris Erythraei) را، با تصور نام شخص، «پریپلوس ماری اریترای» (ص ۲۱) ذکر کرده‌اند. از نام مکان‌های جغرافیایی، کلخیس (Colchis) را «کلچیس» (ص ۲۸)، فرات (Euphrates) را «یوفرتیز»، اسورستان (Assyria) را «آسیریا» (ص ۷۳)، ماورای قفقاز<sup>۱۱</sup> را «ترانس در قفقاز» (ص ۵۷)، بیتونیا را

«بایتینی» (ص ۷۶)، از نام اقوام و قبایل، کلخیدی‌ها (Colchians) را «کولکیانس» (ص ۷۰)، ایبری‌ها را «ایبریانس» (ص ۵۶)، سمرت‌ها (Sarmatians) را «سارماتین»، قبیله ساکن ماورای قفقاز (the Trans-Caucasian tribe) را «قبیله ترانس» (ص ۵۶)، و از نام افراد، دوبواز (Debevoise) را «دیبوس» (ص ۳۸، ۷۰، ۷۳، ۸۴)، دبه ویت (ص ۳۹) را دیوسیوس (ص ۵۰)، و شاعران دوره آگوستی (Augustan poets) را «اکستان شاعر» آورده‌اند.

ایرادهای املائی نیز کم نیست. پمپیوس را «پمپیوس» (ص ۲۵)، اویاتور (Eupator) را «سیوپاتر» (ص ۲۶)، داخلی را «داخی» (ص ۴۵)، و آرتاگیرا (Artagira) را «آرتامیرا» (ص ۵۱) نگاشته‌اند.

## ۵.۲ نقد محتوایی اثر

پایان‌نامه با چکیده آغاز شده است که طبق آن می‌خواهد بازه زمانی قرن اول پیش از میلاد تا قرن سوم میلادی (به‌طور دقیق‌تر ۷۰ پم-۲۲۰م) و روابط روم و پارت را بررسی کند. قرار است نویسنده نشان دهد آن‌چه برخی مورخان کلاسیک آورده‌اند و برخی محققان معاصر نیز تصدیق کرده‌اند توجه رومیان به شرق و ارمنستان و تصمیم به قرارداد ارمنستان به‌منزله دولتی پوشالی بین پارت و روم به‌دلیل ترس مردم روم از پارتیان نیست، بلکه علت آن شهوت به‌دست‌آوردن ثروت و شهرت از سوی خود حاکمان رومی است. نویسنده در این اثر به دوره‌های پیش و پس از دوره موردپژوهش خود نیز اشاره می‌کند و به‌ویژه بدون اشاره به شواهد ادعا می‌کند که ظهور ساسانیان نتیجه سیاست‌های توسعه‌طلبانه رومیان بوده است (ص ۷۶ متن اصلی، ص ۹۴ ترجمه). در مقدمه نیز ارمنستان نه سپر دفاعی رومیان در برابر حملات اشکانیان بلکه صحنه نبرد قدرت بین دو امپراتوری اشکانی و روم معرفی می‌شود (ص ۳ متن اصلی، ص ۱۰ ترجمه).

در توضیحات فصل اول (ص ۴-۶ متن اصلی، ص ۱۳-۱۵ ترجمه) نویسنده ابتدا تلاش می‌کند تا منشأ اختلافات اشکانیان و رومیان را بررسی کند، اما در همان ابتدای کار ادعا می‌کند که برخی اوقات به رومیان از سوی همسایگان تجاوز می‌شد، اما در بسیاری موارد ادعای تجاوز همسایگان فقط دست‌آویز و بهانه‌ای باهدف تجاوز آنان به سرزمین‌های همسایه بود (ص ۵ متن اصلی، ص ۱۴ ترجمه).<sup>۱۲</sup> اگر این مسئله تا بدین حد واضح و مبرهن است که در صفحه ۵ پایان‌نامه به آن اشاره می‌شود، پس دیگر چه دلیلی برای نگاشتن پایان‌نامه‌ای ۸۵ صفحه‌ای به‌منظور بررسی این موضوع وجود داشته است؟

بخش اول (ص ۶-۹ متن اصلی، ص ۱۵-۱۹ ترجمه) این فصل بررسی و نقد منابع درباره این موضوع است. در ترجمه عنوان به فارسی «مطالعه و بررسی نوشته‌های کلاسیک» آمده است، در حالی که به هیچ وجه موضوع این بخش بررسی منابع کلاسیک نیست و همان طور که پیش تر نیز اشاره شد، پوارو در این جا نظریات محققان معاصر چون ممزن، فرانک، هریس، لوتواک، مترن، و آیزاک را بررسی و مقایسه کرده است.

در بخش سوم (ص ۹-۱۱ متن اصلی، ص ۱۹-۲۲ ترجمه) فصل اول نویسنده تلاش دارد تا با آوردن شواهدی نشان دهد که چه حد ثروت سرزمین‌های شرقی و سوسه‌انگیز بوده است. به این ترتیب، چنین تلقی‌ای از شرق می‌توانست باعث شود که حاکمان رومی به فکر به دست آوردن این ثروت‌ها و از آن طریق رسیدن به شهرت و قدرت بیفتند.

در بخش چهارم فصل اول (ص ۱۱-۱۴ متن اصلی، ص ۲۳-۲۶ ترجمه) نویسنده تلاش می‌کند تا میل رسیدن به شهرت را اخلاقی مقبول در طبقه اشراف رومی نشان دهد که در میان رومیان ریشه عمیقی داشته است. او چنین میلی را محرک فرمان‌روایان رومی برای کسب شهرت دانسته است.

در بخش‌های چهارم (ص ۱۴-۲۱ متن اصلی، ص ۲۶-۳۴ ترجمه)، پنجم (ص ۲۱-۲۵ متن اصلی، ص ۳۴-۳۹ ترجمه)، و ششم (ص ۲۵-۲۸ متن اصلی، ص ۳۹-۴۳ ترجمه) از فصل اول نویسنده شرحی نسبتاً طولانی از لشکرکشی‌های سه امپراتور رومی لوکولوس، پمپیوس، و مارکوس آنتونیوس ارائه می‌دهد. این شرح طولانی به تقویت نظریه نویسنده در اثبات این که رومیان قصدشان از حمله به شرق به دست آوردن ثروت و قدرت بوده است، هیچ کمکی نمی‌کند. او در بخش چهارم با آوردن نظریاتی از سالوستیوس و پلوتارک نظر آدرین شروین - وایت (Adrian Sherwin-White) را درباره این که لوکولوس از حمله به ارمنستان قصد شهرت طلبی نداشت، بدون استدلال مشخصی رد می‌کند و معتقد است هر چند طبق نظر شروین - وایت شواهد قوی وجود ندارد، اما به احتمال هدف لوکولوس کسب شهرت بوده است (ص ۱۹ متن اصلی، ص ۳۲ ترجمه). در بخش پنجم پس از شرح تاریخچه حملات پمپیوس به ارمنستان، با آوردن نظریات مگی و شروین وایت، که هر دو معتقدند هدف پمپیوس کسب شهرت و اعتبار بود (Magie 1950: 358-59; Sherwin-White 195-200)، تلاش دارد نشان دهد که در این زمان سیاست امپراتوران روم کسب شهرت بوده است. او از میان دو تحلیل چارلزورث (Charlesworth 1961: 58) و دوبواز (Debevoise 1938: 163-64, 204) از سوی و شروین وایت و مگی از سوی دیگر، که در تحلیل اولی نویسندگان میل به در دست گرفتن راه‌های

تجاری مسدود شده به دست پارتیان از طریق تسلط بر ارمنستان را دلیل حملات پمپیوس به ارمنستان دانسته‌اند و در دومی میل به کسب شهرت پمپیوس عامل اصلی دانسته شده است، بدون بحث مستدلی و فقط با استناد به اقوال شروین - وایت و مگی تحلیل دوم را انتخاب می‌کند. در بخش ششم، نویسنده اهداف حمله کراسوس و سپس مارکوس آنتونیوس به پارت را بررسی کرده است. باز هم پس از یک اشاره بی‌فایده به تاریخچه حملات این دو، ادعا می‌کند که در حمله کراسوس هیچ انگیزه دیگری جز شهرت‌طلبی نبود (ص ۲۷ متن اصلی، ص ۴۱ ترجمه) که این بار هم تبیین و تحلیل قابل‌قبولی در پشتیبانی از این ادعا از سوی پوارو را شاهد نیستیم و چیزی افزون بر گفته‌های شروین - وایت و مگی نمی‌بینیم. در همین بخش، پوارو از لشکرکشی مارکوس آنتونیوس به پارت توضیح مختصری ارائه می‌دهد، اما هیچ نتیجه مشخصی از ارائه این تاریخچه نمی‌گیرد. خواننده در این بخش، هم‌چون بخش‌های پیشین، از نویسنده انتظار دارد که پس از آوردن این تاریخچه با ارائه استدلال ادعا کند که مارکوس آنتونیوس نیز از حمله به پارت انگیزه‌ای جز شهرت‌طلبی نداشته است؛ اما چنین اشاره‌ای در متن نیست. در عوض، در جمع‌بندی این فصل نویسنده ادعا می‌کند رومیان، که به‌ذات جنگ‌طلب بودند و هیچ چیز جز شهرت را معتبر نمی‌دانستند، در این دوره براساس همین انگیزه به شوق حمله می‌کردند (ص ۲۹ متن اصلی، ص ۴۴ ترجمه).

در توضیحات فصل دوم، نویسنده روابط روم و اشکانیان در دوره یولیانی و کلودیانی را شرح می‌دهد. طبق ادعای درست نویسنده، متون رومی در این زمان به خصلت تهاجمی اشکانیان اشاره می‌کنند. این تبلیغات رومیان باعث رشد اشکانی‌هراسی مردم روم می‌شود، اما به‌ادعای نویسنده این رشد ترس روم از اشکانیان موهوم و محصول تبلیغات امپراتوران رومی است. از نظر نویسنده در این دوره حتی امپراتور صلح‌طلبی هم‌چون کلودیانس نیز به کسب شهرت از طریق غارت سرزمین‌های دیگر بی‌علاقه نبود، زیرا از این طریق می‌توانست ژست سیاسی دل‌خواه خود را بگیرد و به‌نحو مناسب‌تری مانورهای سیاسی و نظامی در مناطق مورد مناقشه هم‌چون ارمنستان را اجرا کند (ص ۳۱-۳۲ متن اصلی، ص ۴۶ ترجمه). نویسنده در بخش اول این فصل منابع کلاسیک رومی را نقد می‌کند و این ادعای درست را مطرح می‌کند که طبق این منابع از زمان آگوستوس اشکانیان در جایگاه رقیب روم و جهان دیگر معرفی شده‌اند. این نکته را نیز یادآور می‌شود که در این متون هم‌زمان از اشکانیان در نقش مهاجم و متجاوز و از رومیان در هیئت مدافع یاد شده است، هرچند طبق گفته نویسنده این ادعا هم پوچ و بی‌اساس بوده است، زیرا اشکانیان از سال ۲۰ پم به بعد هرگز به روم حمله‌ور نبوده‌اند (ص ۳۱-۳۴ متن اصلی، ص ۴۷-۴۹).

ترجمه). در بخش دوم این فصل نویسنده تاریخچه روابط آگوستوس با اشکانیان را بررسی می‌کند. این بخش به انگیزه‌های مورد بحث ما از روابط آگوستوس و اشکانیان اشاره‌ای ندارد و فقط به ذکر این موضوع بسنده شده است که احتمالاً به دلیل مرگ گایوس یا هراس آگوستوس از تکرار نتیجه جنگ حران وی به جنگ اقدام نکرده است (ص ۳۷-۳۸ متن اصلی، ص ۵۲ ترجمه). نویسنده در بخش سوم دوران حکومت تیبریوس (ص ۴۳-۳۹ متن اصلی، ص ۵۳-۵۸ ترجمه)، در بخش چهارم دوران حکومت کالیگولا و کلودیوس (ص ۴۳-۴۵ متن اصلی، ص ۵۸-۶۰ ترجمه)، و در بخش پنجم دوران حکومت نرو (ص ۴۵-۵۰ متن اصلی، ص ۶۰-۶۴ ترجمه) را بررسی کرده است. در این سه بخش تاریخچه‌ای بی‌فایده از روابط امپراتوران روم و اشکانیان می‌خوانیم و گویا نویسنده فراموش کرده است که هدفش از نوشتن این بخش نشان دادن شهرت طلبی امپراتور روم در حمله یا تلاش برای حمله به پارت بوده است. بخش آخر نتیجه است. در این جا نویسنده با استناد به بخش‌های پیشین این فصل ادعا می‌کند که رومیان در این دوره با تهدید چندانی از طرف اشکانیان مواجه نشدند و اگر چنین تهدیدی را احساس می‌کردند، حتماً وارد عمل می‌شدند که نشدند. اما این تهدید واقعی یا خیالی باعث شد که امپراتوران روم در شهرت و افتخار غرق شوند. آگوستوس توسعه ارضی رومیان را خاتمه داده بود، اما نتوانست مانع جاه‌طلبی آن‌ها شود (ص ۵۰-۵۲ متن اصلی). در ترجمه نتیجه این بخش چیزی نامربوط و بسیار خلاصه‌وار نوشته شده است که البته چنین تقطیع و خلاصه‌نویسی فقط به این بخش از ترجمه مختص نیست و دیگر بخش‌های کتاب را نیز دربرمی‌گیرد).

در فصل سوم، ابتدا ذیل عنوان «اردوکنی تریانوس به پارت» درباره تاریخچه حمله تریانوس به پارت و اهمیت آن و مقایسه او و سایر امپراتورانی که به پارت حمله کردند و انگیزه‌های وی توضیحاتی داده شده است (ص ۵۳-۵۶ متن اصلی، ص ۶۶-۶۹ ترجمه). ترجمه این بخش عنوان ندارد و مطالب آن به نتیجه فصل پیشین اضافه شده است). بخش اول این فصل با عنوان اوپتیموس پرینسپس، لقب تریانوس، آمده است. در این بخش تاریخچه اردوکنی تریانوس به پارت شرح داده می‌شود (ص ۵۶-۶۱ متن اصلی، ص ۶۹-۷۶ ترجمه). این بخش تقریباً هیچ تحلیلی با محوریت فرضیه نویسنده ندارد. بخش دوم این فصل بررسی آماده‌سازی‌های قبلی تریانوس برای حمله به پارت است و در آن این سؤال مطرح می‌شود که آیا تریانوس از همان ابتدا در اندیشه فتح کل پارت بود یا نه؟ (ص ۶۱-۶۷ متن اصلی، ص ۷۶-۸۳ ترجمه). ترجمه این بخش عنوان ندارد و در دنباله بخش پیشین آمده است). پوارو در این بخش نظریات لانگدن (Longden 1931)، گویای

(Goey 1937)، و لپر (Lepper 1948) دربارهٔ انگیزه یا انگیزه‌های تریانوس از حمله به پارت پس از تصرف ارمنستان را مقایسه می‌کند. از نظر لانگدن، حملهٔ تریانوس به بین‌النهرین برنامه‌ریزی شده نبود و پس از تصرف ارمنستان این فکر به ذهنش خطور کرد، زیرا درغیراین صورت پس از تخلیهٔ ارمنستان اشکانیان دوباره آن‌جا را از چنگ رومیان درمی‌آوردند و تریانوس برای اطمینان از استحکام ارمنستان تحت سلطهٔ روم بین‌النهرین را تصرف کرد (Longden 1931: 25-29). این نظریه مؤید و تقویت‌کنندهٔ نظریهٔ دفاع از مرزهای روم یا سپر دفاعی ممزن و فرانک است. به‌باور گوی، هدف تریانوس از تصرف بین‌النهرین دست‌یابی به راه‌های تجاری بود که پیش‌تر در اختیار اشکانیان قرار داشت.<sup>۱۳</sup> گوی برای رد نظریهٔ لانگدون تلاشی نمی‌کند. اما پوارو معتقد است اگر نظریهٔ گوی درست باشد، در آن صورت باید پذیرفت که حملهٔ تریانوس به بین‌النهرین و دژ پترا برنامه‌ریزی شده بوده است (ص ۶۴ متن اصلی، ص ۷۹ ترجمه). پوارو در این‌جا نظریات لانگدن و گوی را با ذکر دلایلی رد کرده است، اما موافق نظریهٔ لپر است. از نظر لپر، تریانوس پیش از حمله به پارت زمینه‌چینی کرده بود و انگیزهٔ اصلی او هم‌ترازی با اسکندر و کسب شهرت و اعتبار بود و اگر هم نظریه‌های اقتصادی یا سپردفاعی اهمیتی داشته باشد توجیه‌کنندهٔ انگیزهٔ واقعی و اصلی تریانوس نیست (Lepper 1948: 194-204). می‌توان این بخش را بهترین و قوی‌ترین بخش از پایان‌نامهٔ پوارو دانست. در این بخش نظریات با استدلال محکم‌تری مقایسه، رد، یا پذیرفته شده‌اند. بخش سوم با عنوان «سقوط اشکانیان» روی داده‌های دوران پایانی حکومت آنان را شرح می‌دهد. در این‌جا پوارو دوباره با آوردن تاریخچهٔ روابط روم و اشکانیان داستان اشغال تیسفون در دو نوبت به‌دست سرداران رومی و سپس ظهور اردشیر ساسانی را شرح می‌دهد. پوارو در این بخش به انگیزه‌های امپراتوران رومی از تهاجم به سرزمین اشکانیان در این بازهٔ زمانی اشاره‌ای نکرده است، اما به نکتهٔ دیگری اشاره کرده که خارج از حوزهٔ تحقیق او بوده است. از نظر او، شکست‌های پیاپی اشکانیان از رومیان و نومیدی ایالت‌های تحت سلطهٔ اشکانی از حمایت اشکانیان در برابر تجاوزات رومیان باعث شد حاکمان این ایالات به‌جای وفاداری به اشکانیان ترجیح دهند از یکی از نجیب‌زادگان شورشی پارس، اردشیر، حمایت کنند. به این ترتیب، طبق نظریهٔ پوارو شهرت‌طلبی امپراتوران رومی غیرمستقیم و ناخواسته سبب دشمنی در شرق شد که قدرتی بیش‌تر از اشکانیان داشتند. از آن‌پس، رومیان از دخالت در امور ارمنستان عاجز شدند، زیرا برای مقابله با ساسانیان قدرت کافی نداشتند (ص ۷۳-۷۴ متن اصلی، ص ۸۹-۹۰ ترجمه). به‌نظر می‌رسد برای اثبات این فرضیه به بحث و استدلال بیش‌تر و همه‌جانبه‌تری نیاز داریم که در

پایان‌نامه پوارو دیده نمی‌شود. بخش چهارم این فصل نتیجه است. در این جا پوارو ادعا می‌کند که امپراتوران رومی پس از جنگ حران برای براندازی حکومت اشکانیان تمام تلاش خود را به کار گرفتند. این تلاش‌ها در کنار هجوم اقوام کوچ‌نشین به داخل پارت باعث فرسایش تدریجی این حکومت شد. رومیان تصرف ارمنستان را کلید دروازه پارت و به دست آوردن ثروت آن جا قلمداد می‌کردند. پس از تصرف ارمنستان، راه ورود به پارت هموار شد و تریانوس توانست با پشت‌سرگذاشتن ارمنستان پایتخت پارت را تصرف کند (ص ۷۴-۷۵ متن اصلی، ص ۹۱-۹۲ ترجمه). به این ترتیب، پوارو در این جا سربسته هدف تمام امپراتوران روم را تصرف پارت دانسته است. اما این نظریه چندان با نظریه انگیزه شهرت مورد حمایت وی سنخیت ندارد.

در بخش پایانی یا سخن آخر (ص ۷۶ متن اصلی، ص ۹۳-۹۴ ترجمه) پایان‌نامه، پوارو به نظریه‌اش هیچ اشاره‌ای نکرده است و فقط اذعان دارد که رومیان مقصر سقوط اشکانیان به دست ساسانیان بوده‌اند. این نتیجه‌گیری در راستای پاسخ به مسئله پایان‌نامه پوارو نیست.

## ۶.۲ نقد و تحلیل روش‌شناسی اثر

پوارو در این نوشته تلاش کرده است تا برای نظریه هریس یعنی اعتقاد به شهرت‌طلبی به‌منزله عامل اصلی تهاجم رومیان به سرزمین‌های شرقی شواهد تاریخی بیابد. او بخش عمده نوشته خود را به بازخوانی تاریخچه حملات رومیان به پارت از زمان لوکولوس به بعد تا زمان سقوط اشکانیان اختصاص داده و تلاش کرده است که لابه‌لای این نوشته‌ها شواهدی در تأیید نظریه خود بیابد. اما به نظر می‌رسد، به جز مورد لشکرکشی تریانوس، در سایر موارد استدلال دندان‌گیری برای قانع کردن مخاطب خود ندارد. این نکته به‌هیچ‌وجه دلیل مردود بودن نظریه او نیست، بلکه مطلب این است که نویسنده در پیش‌برد هدف مدنظرش در تحقیق به‌نحو بایسته‌ای موشکافی نکرده و در بسیاری موارد مطالبی زائد، بی‌فایده، و غیرمرتبط با موضوع تحقیق خود را وارد نوشته‌ها کرده و گاه سررشته بحث را از دست داده است.

بخش زیادی از ترجمه اثر مبهم است، زیرا در بسیاری موارد معادل فارسی درستی جانشین واژه‌های انگلیسی نشده است. بدفهمی برخی مطالب مزید بر علت است. مترجمان در ترجمه اثر روشی خاص را در پیش گرفته‌اند، به‌طوری‌که در مقایسه ترجمه با اصل



انگلیسی آن درمی‌یابیم در مواردی که مترجمان با تنگنا و دشواری مواجه شده‌اند از ترجمه متن صرف‌نظر کرده‌اند. حتی گاه واژه‌های لاتینی به‌کاررفته برای عناوین بخش‌ها<sup>۱۴</sup>، که ترجمه دشواری دارند، به‌کلی حذف شده‌اند و در بسیاری موارد از پاراگراف‌هایی در متن انگلیسی چشم‌پوشی کرده‌اند. باین‌حال، برای این‌که پانوشت‌ها هم‌راه با این بخش‌ها حذف نشود، گاه شماره پانوشت داخل متن را به پاراگراف بعدی منتقل کرده‌اند، درحالی‌که مطلب پانوشت به پاراگراف حذف‌شده مربوط است. برای مثال، در صفحه ۵۲ از ترجمه، هنگامی‌که خواننده پانوشت ۸۲ را می‌خواند ارجاعاتی از اوید، پولیبیوس، و سنکا می‌بیند، اما پس از رجوع به متن با یک نظر شخصی و نتیجه‌گیری پوارو روبه‌رو می‌شود. هنگامی‌که به اصل کتاب مراجعه می‌کنیم درمی‌یابیم که مترجمان یک پاراگراف را حذف کرده‌اند و شماره پانوشت متعلق به این پاراگراف را به پاراگراف بعدی انتقال داده‌اند تا ترتیب شماره‌های پانوشت‌ها برهم نخورد. بخش‌هایی از متن هم که حذف نشده عموماً ترجمه‌ای آزاد است. گاه این ترجمه آزاد، که در بسیاری موارد خلاصه‌ای از متن انگلیسی است، مفهوم موردبحث را می‌رساند<sup>۱۵</sup> و گاه چنان مبهم است که نمی‌توان از آن هیچ‌چیز دریافت.<sup>۱۶</sup>

### ۳. نتیجه‌گیری

این پایان‌نامه از نظر علمی اثری متوسط است که در آن تلاش شده است با استفاده از یک نظریه کل تاریخ روابط روم و شرق توضیح داده شود. ترجمه دست‌وپاشکسته آن نیز ارزش علمی اثر را پایین‌تر آورده است. اما موضوع کتاب در ایران نسبتاً جدید است و وجود چنین آثاری با محوریت روابط ایران و روم در آشنایی جامعه دانشگاهی ایران با مفهوم سیاسی خودی و غیرخودی در دوره اشکانی نقش به‌سزایی دارد. شناخت مفهوم خودی و غیرخودی در دوره اشکانی می‌تواند باعث تسهیل در شناخت تحول هویت ملی ایرانی در دوره اشکانی شود، موضوعی که امروزه بسیار موردعلاقه پژوهش‌گران تاریخ و باستان‌شناسی ایران باستان است.

### ۴. پیش‌نهادهای کاربردی

انتشار ترجمه‌هایی با این کیفیت نازل ضعف بزرگی برای ناشران است. باتوجه‌به شاخه‌شاخه‌شدن رشته‌های علمی در دوران کنونی، نظارت بر کیفیت مطالب علمی شایسته چاپ به‌خصوص در ترجمه‌ها کار چندان آسانی نیست. برای حصول اطمینان از درستی

انتخاب کتاب‌های شایسته ترجمه و کیفیت ترجمه مترجمان مقتضی است نظارت بر آن به اشخاصی واجد صلاحیت در همان رشته و گرایش تفویض شود. برخی ناشران معتبر از سال‌ها پیش چنین رویه‌ای را در پیش گرفته‌اند و با انتخاب شخص یا هیئت نظارت بر انتخاب، ترجمه، ویرایش، و چاپ کتاب‌های تخصصی بر کیفیت کار خود افزوده‌اند. به نظر می‌رسد، به منظور جلوگیری از انتخاب کتاب نامناسب یا ورود غش در ترجمه‌ها، اتخاذ چنین رویکردی الزامی است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. درباره جنگ حران بنگرید به Shahbazi 1990.
۲. منظور نویسنده شخص خاصی نیست، بلکه به دو دوره امپراتوری در روم اشاره دارد.
۳. در اصل انگلیسی عنوان فصل سوم Trajan's Parthian Campaign (اردوگشی تریانوس به پارت) است و اوپتموس پرنسپس (Optimus Princeps) عنوان بخشی از فصل سوم است که در ترجمه به اشتباه جای عنوان فصل آمده است.
۴. این اصطلاح رومی به معنای «بهترین فرمان‌روا» به تریانوس امپراتور روم از سوی سنا اعطا شده بود.
۵. <[https://www.digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1831&context=gradschool\\_theses](https://www.digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1831&context=gradschool_theses)>.
۶. Lafayette: شهری در بخش جنوبی ایالت لوئیزیانا.
۷. This is surprising that this unpublished dissertation was translated and published in Iran. It is not an outstanding work. John Poirot is a native of the USA, Louisiana. His name is not Polish. Poirot, the famous investigator in books, is Belgian. The pronunciation is as you wrote. I suppose that Mr. Poirot's job is not that of a professional historian. I do not know any of his other studies. He did not cite any articles by him in his PhD of 2014.
۸. در رساله قرار است فقط تحولات قرن اول میلادی بررسی شود، اما در پایان بحث به دلایل ظهور اردشیر پاپکان و رویکرد سیاسی و نظامی ساسانیان نیز می‌کشد (Poirot 2014: 292-297)؛ یعنی دقیقاً همان نتایجی که در پایان‌نامه ارشد گرفته شده است (Poirot 2003: 73-74).
۹. درباره شغل وی اطلاعاتی در دست نیست، اما گویا شغلش با رشته تحصیلی وی ارتباطی ندارد.
۱۰. پیش‌تر کتاب‌هایی به فارسی ترجمه شدند که موضوع آن‌ها رویکرد رومی‌ها به شرق اشکانی است. بنگرید به ویسهوفر ۱۳۸۹ که مجموعه‌ای از سخن‌رانی‌های اوست، به‌ویژه مقاله «تصویرهای شرق از نگاه رومیان و تصویرهای غرب از نگاه پارتیان در دوره آگوست» در صفحه

نقد کتاب *مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط ...* (یاسر ملک‌زاده و سرور خراشادی) ۳۱۱

۹۸. یا مقاله «دوست و دشمن: شرق در رم» در کتاب *پارتیان* از جلد دوم مجموعه ایده ایران (اشنایدر ۱۳۹۳) و کتاب *روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و هم‌زیستی* (ویتتر و دیگناس ۱۳۸۶: ۸-۱). اما در این کتاب‌ها و برخی کتاب‌های دیگر موضوع رویکرد رومی به شرق یگانه موضوع آن‌ها نیست و فقط بخشی از مطالب کتاب‌ها به این موضوع اختصاص یافته است.
۱۱. رومیان بخش جنوبی رشته‌کوه قفقاز شامل گرجستان، ارمنستان، و اران را ماروا یا آن‌سوی قفقاز می‌نامیدند.
۱۲. هدف نقد روش نویسنده است و درباره درستی یا نادرستی فرضیه ارائه‌شده بحثی نداریم.
۱۳. چارلزورث (Charlesworth 1961: 58) و دوبواز (Debevoise 1938: 163-64, 204) مشابه این فرضیه را درباره لشکرکشی پمپوس به ارمنستان ارائه کرده‌اند. این نظریه مقایسه‌شدنی با نظریه پورشریعتی درباره دلیل اولیه حمله اعراب به ایران در پایان دوره ساسانی است. از نظر پورشریعتی، هدف اولیه اعراب از حمله به ایران دسترسی به راه‌های ارتباطی ایران با آسیای مرکزی با هدف استفاده از منافع تجاری آن بود (Pourshariati 2008: 5).
۱۴. برای مثال واژه *Luxuria et Avaritia* در صفحه ۹ متن اصلی.
۱۵. برای مثال نتیجه صفحات ۹۱-۹۲ ترجمه مقایسه‌شدنی با صفحات ۷۴-۷۵ متن اصلی.
۱۶. برای مثال، توضیح نظریه مترن در صفحه ۱۸ ترجمه فارسی برای خواننده درک‌پذیر نیست (مقایسه شود با صفحه ۸ متن اصلی).

## کتاب‌نامه

- اشنایدر، رالف (۱۳۹۳)، «دوست و دشمن: شرق در رم»، در: *پارتیان*، گردآوری و ویرایش وستا سرخوش‌کرتیس و سارا استوارت، از مجموعه کتاب‌های *مفهوم ایران*، ج ۲، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: مرکز.
- پوبریت، ژوزف (۱۳۹۶)، *مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان*، ترجمه رضا قاسمی و رضوان رضایی، تهران: سمیرا.
- ویسهوفر، ژوزف (۱۳۸۹)، *ایرانیان یونانیان و رومیان نگاهی به دادوستد فرهنگی میان ایران و یونان و روم*، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: فرزانه‌روز.
- ویتتر، انگلبرت و بناته دیگناس (۱۳۸۶)، *روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و هم‌زیستی*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: فرزانه‌روز.

Arnaud, P. (1993), "Frontiere et Manipulation Geogtaphique: Lucain, les Parthes et Les Antipodes", in: *La Frontiere: Seminaire de Recherche*, Yves Roman (ed.), Travaux de la Maisonde l'Orient 21, Lyons: GDR-Maison de l'Orient, distributed by De Boccard.

- Bowersock, G. (1984), "Augustus and the East: The Problem of Succession", in: *Caesar Augustus: Seven Aspects*, Fetgus Millar and Erich Segal (eds.), Oxford: Clarendon Press.
- Bruhl, A. (1930), "Le Souvenir d'Alexandre le Grand et les Romains", *Melanges d'Archeologie et d'Histoire* 47, no. 1-5.
- Charlesworth, M. P. (1961), *Trade Routes and Commerce of the Roman Empire*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ceaujcsu, P. (1974), "La double image d'Alexandre le Grand a Rome", *Studi Clasice* (Bucharest), no. 16.
- Debevoise, N. C. (1938), *A Political History of Parthia*, Chicago: University of Chicago Press.
- Frezouls, E. (1995), "Les Relations Romano-Parthes Avant l'epoque Flavienne", in: *Les Relations Internationales: Actes du Colloque de Strasbourg, 15-17 juin 1993*, ed. Edmond Frezouls and A. Jacquemin (eds.), Universite des Sciences de Strasbourg: Travaux du Centre de Recherches sur le Proche-Orient et la Grece Antiques 13. Paris; distributed by De Boccard.
- Guey, J. (1937), *Essai sur la Guerre Parthique de Trajan (114-117)*, Bucharest: Bibliotheque d'Istros.
- Harris, W. (1979), *War and Imperialism in Republican Rome, 327-70 BC*, Oxford: Clarendon Press.
- Isaac, B. (1990), *The Limits of Empire*, Oxford: Clarendon Press.
- Kienast, D. (1969), "Augustus und Alexander", *Gymnasium*, vol. 76, no. 5.
- Kienast, D. (1990), *Romische Kaisertage: Grundzüge einer Römischen Kaiserchronologie*, Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft.
- Lepper, F. A. (1948), *Trajan's Parthian War*, Westport, Connecticut: Greenwood Press.
- Longden, R. P. (1931), "Notes on the Parthian Campaigns of Trajan", *The Journal of Roman Studies*, no. 21.
- Lightfoot, C. S. (1990), "Trajan's Parthian War and the Fourth-Century Perspective", *Journal of Roman Studies*, no. 80.
- Luttwak, E. (1976), *Grand Strategy of the Roman Empire: From the First Century AD to the Third*, Baltimore and London: Johns Hopkins University Press.
- Magie, D. (1950), *Roman Rule in Asia Minor*, Princeton: Princeton University Press.
- Mattern, S. (1999), *Rome and the Enemy*, Berkeley: University of California Press.
- Mommsen, T. (1903), *The History of Rome*, vol. II, William Dickson (trans.), New York: Charles Scribner's Sons.
- Poirot, J. J. (2003), *Perceptions of Classical Armenia: Romano-Parthian Relations, 70 BC-AD 220*, Louisiana State University (LSU) Master's Theses, Available at: [https://www.digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1831&context=gradschool\\_theses](https://www.digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1831&context=gradschool_theses).
- Poirot, J. J. (2014), *The Romano-Parthian Cold War: Julio-Claudian Foreign Policy in the First Century CE and Tacitus' Annales*, Louisiana State University (LSU) Doctoral Dissertations, Available at:

<[http://www.digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=4833&context=gradschool\\_dissertations](http://www.digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=4833&context=gradschool_dissertations)>.

- Pourshariati, P. (2008), *Decline and Fall of the Sasanian Empire: The Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran*, London and New York: IB Tauris.
- Schneider, R. (1986), *Barbaren: Orientalstatuen aus Farhigem Marmor in der Romischen Repräsentationkunst*, Worms: Wemersche Verlagsgesellschaft Worms.
- Schneider, R. (1998), "Die Faszination des Feindes: Bilder der Parther und des Orients in Rom", in: *Das Partherreich und Seine Zeugnisse: Beitrage des Internationalen Colloquiums, Eutin (2. - 3 0. Juni 1996)*, Josef Wieschofer (ed.), Stuttgart: Ftzanz Steiner Verlag.
- Shahbazi, A. S. (1990), "Carrhae", *Encyclopædia Iranica*, vol. V, Fasc.: 9-13.
- Sherwin-White, A. N. (1983), *Roman Foreign Policy in the East: 168 BC-AD*, University of Oklahoma Press.
- Sonnabend, H. (1986), *Fremdbild und Politik. Vorstellungen der Römer von Agypten und dem Partherreich in der Späten Republik und Frühen Kaiserzeit*, Europäische Hochschulschriften, Reihe III Geschichte und ihre Hilfswissenschaften, Band 286, Frankfurt am Main.
- Spawforth, A. (1994), "Symbol of Unity? The Persian-Wars Tradition in the Roman Empire", in: *Greek Historiography*, Simon Hornblower (ed.), Oxford: Clarendon Press.
- Weippert, O. (1972), *Alexander-Imitatio und Romische Politik in Republikanischer Zeit*, PhD. Universität zu Augsburg.
- Wheeler, E. (1991), "Rethinking the Upper Euphrates Frontier: Where Was the Western Border of Armenia?", in: *Roman Frontier Studies 1989: Proceedings of the XVth International Congress of Roman Frontier Studies*, Valerie A. Maxfield and Michael J. Dobson (eds.), Exeter: University of Exeter Press.
- Wheeler, E. (1997), "Why the Romans Can't Defeat the Parthians: Julianus Africanus and the Strategy of Magic", in: *Roman Frontier Studies 1995: Proceedings of the XVIth International Congress of Roman Frontier Studies*, W. Groenman-van Waateringe, B. L. van Beek, W. J. H. Willems, and S. L. Wynia (eds.), Oxford: Oxbow.
- Wheeler, E. (2002), "Roman Treaties with Parthia: Volkerrecht or Power Politics", in: *Limes XVI: Proceedings of the XVIIIth International Congress of Roman Frontier Studies held in Amman, Jordan (September 2000)*, 2 vols. Vol. I, Philip Freeman, Juhan Benett, Zbigniew T. Fienna, and Birgitta Hoffmann (eds.), BAR International Series, Oxford: Archaeopress.
- Whittaker, C. R. (1996), "Where Are the Frontiers Now?, The Roman Army in the East", David L. Kennedy (ed.), *Journal of Roman Archaeology-Supplementary Series*, no. 18, Ann Arbor, Mich.: *Journal of Roman Archaeology*.
- Wirth, G. (1975), "Alexander und Rom", In *Alexandre le Grand: Image et Realite*, Olivier Reverdin (ed.), *Enttetiens sur l'antiquite classique*, Tome XXII. Vandoeuvres-Geneve: Fondarion Hardt.
- Wirth, G. (1980-1981), "Rom, Parther und Sassaniden: Erwagungen zu den Hintetgründen eines Historischen Wechselverhältnisses", *Ancient Society*, no. 11-12.

